**آداب‌ورسوم نوروزی در گیلان**

**سمانه خلیلی فر[[1]](#footnote-1)**

جلگه گیلان به شکل سنتی و به‌طور طبیعی تا پیش از تسلط صفویان، به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم می­شد. مبنای این تقسیم نیز جریان سفیدرود بود. این رود به سبب میزان تأثیرگذاری و همچنین دشواری در عبور، گیلان را از نظر فرهنگی و سیاسی به دو بخش تقسیم می‌کرد.

گیلان، سرزمین باران به سبب برخورداری از تاریخ کهن، مملو از آیین‌ها و فرهنگ­هاست. بخش زیادی از این آیین­ها و سنن متأثر از وضع طبیعی، جغرافیایی و معیشتی است که برای پاسخگویی به نیازهای جسمانی و روانی انسان شکل گرفته­اند. در بعد فرهنگی، رابطه انسان با محیط، شكل خاصی پيدا مى‏كند. سنگ، كوه، آب، گياه، زمين، آسمان و همه آنچه در پهنه هستى است، جان مى‏گيرد و با انسان به سخن درمى‏آيد، انسان نیز بخشی از خواسته‌ها و کمبودهایش را در محیط فرهنگی و در تعامل با آن بروز می­دهد.

گیلان به سبب انزوای جغرافیایی و استقلال سیاسی و حتی دینی با سایر نواحی ایران، هویت فرهنگی خاصی پیدا کرده بود. این تفاوت‌های فرهنگی امروز نیز چندان آشکار است که با اندکی تساهل می­شود از هویت مستقلی برای گیلانیان سخن گفت. اگرچه پس از تسلط صفویان بر گیلان و پیوستن آن به دولت مرکزی و رسمی شدن مذهب تشیع در سرتاسر ایران، بخش زیادی از آداب و سنن محلی تحت تأثیر فرهنگ ملی و سبک زندگی جدید قرار گرفته، تغییر شکل داده یا از بین رفته‌اند. بااین‌حال از لابه‌لای متون تاریخی و روایت‌های محلی می­توان به ممیزات فرهنگی گیلان پی برد. در این مجال تنها به برخی از آداب و سنن نوروزی اجمالاً پرداخته خواهد شد.

پدیده نو شدن سال اهمیت زیادی در زندگی انسان داشته و سبب به وجود آمدن یک‌رشته از آیین­ها و سنن غنی شده­است. مراسم پیشواز نوروز اغلب جنبه تمثیلی دارد و در ارتباط با نوزایی طبیعت است. گیلانیان با آیین‌های نمایشی چون عروس گولی، رابرچره (چراننده آهو)، نوروزخوانی، چهارشنبه‌سوری و دست‌مال آتی به استقبال نوروز می­رفته­اند. حدود 15 تا 20 روز مانده به سال نو، مراسم استقبال از جشن نوروز آغاز می­شود، خانه­ها، مغازه­ها و خیابان‌ها خاکروبی و پاک می­شدند و دانه­های عدس و گندم را خیسانده در ظرف‌ها می‌رویاندند. پس‌ازآن کار نوروزخوانان شروع می­شد که از افراد شناخته‌شده و باسواد بودند. در هر گروه نوروزخوانِ مسن­تر اشعار اصلی نوروز را می­خواند و بقیه تکرار می­کردند. نان سفره نوروزی بیشتر از جنس کوماچ، کشتا، خولفا نان، کدونان و نان برنجی بود که تمامی­شان از آرد برنج پخته می­شدند. آجیل نوروز هیچ‌گاه از بازار خریداری نمی­شد و اجزای آن تخم صیفی، دانه­های بلال، نخود، عدس و برنج بود که پس از خیساندن برشته می­کردند.

آداب و رسوم در شهر رشت بسیار زودتر از سایر نقاط گیلان دستخوش تغییر و تحول گردید و بسیاری از آنها منسوخ شده یا دامنه شیوع و نفوذ آن به شدت کاهش یافته­است. از این رو یافتن ردپای این آداب و رسوم در وضع فعلی کار دشواریست اما با توجه به منابع تاریخ محلی که برای شناسایی این موارد بسیار مفیدند می­توان مواردی از این دست را شناسایی کرد.رشت در گذشته مرکز بعضی مراسم سنتی گیلان، نظیر خیمه شب بازی بود و دست اندرکاران این نمایش از رشت به نقاط دیگر گیلان نیز می­رفتند. بزرگترین جشن و سرور مردم رشت، همانند سایر نقاط ایران مراسم نوروز و متعلقات آن، نظیر چهارشنبه­سوری، سفره هفت­سین و سیزده­بدر بوده­است. بعضی بازی­ها نظیر بازی­های آهوچره و تکتم­چی، در آخرین روزهای ماه اسفند اجرا می­شد که این بازی نیز امروز به روستاها و بعضی شهرهای کوچک منتقل شده­است. بازی آهوچره در منطقه شرق گیلان در شمار بازی­ها و نمایش­های مقدمه نوروز انجام می­شده­است. این بازی به صورت سه نفره (بازیگر آهو، شعرخوان و توبره کش) اجرا می­شد. آهوچره با هر یک از دو گونه نمایشی عروسی گُولِه و تکم شباهت دارد. باید توجه­داشت که در محدوده رواج آهوچره، نمایش عروسی گوله، با عنوان پیربابو شناخته می­شود. وسیله اصلی این بازی، گونه­ای عروسک نمایشی است.[[2]](#footnote-2)این آیین در سال1390 به شماره ۲۳۷ در فهرست آثار ملی به ثبت رسید. این بازی­ها امروزه به ندرت در رشت برگزار می­شود. بعضی از جشن­های قدیمی نیز نظیر ختنه­سوران کمتر برگزار می­شود و بعضی دیگر نظیر گازفوروشان (مراسم دندان درآوردن کودکان) در میان بعضی از گروه­های مردم باقی مانده­است.[[3]](#footnote-3)

**چهارشنبه‌سوری**

برخی از آداب آئینی در مناطقی خاص به لحاظ برگزاری و میزان توجه توده مردم به آن‌ها، متفاوت است. چنانکه چهارشنبه‌سوری در گیلان متفاوت و مهم‌تر از نوروز تلقی می­­شده­است. چهارشنبه­سوری در گیلان به نام گول گوله چارشنبه معروف است. گول در فارسی برابر گُل و به معنای مجازی سرخ شدن در برابر گرما و حرارت است. در برخی از روستاها و آبادی­های شهرستان رشت این آیین را آخره چارشنبه (چهارشنبه­ی پسین) نیز می­نامند. اهالی گیلان در این روز نیز سفره­ی هفت‌سین می­آرایند. تخم‌مرغ‌ها را با پوست پیاز رنگ کرده از روی نقش­های آن فال می­بینند. پس از آن با گفتن تبریک و شادباش بر سر سفره­ی شام می­نشینند و غذاهای مخصوص این شب نظیر پلو و ماهی شکم­پر، تره ترشی، سبزی کوکو و سیر سبز تناول می­کنند. از دیگر مراسم این شب می­توان به «قاشق­زنی» و «دست­مال­آتی» اشاره کرد.

در غروب روز چهارشنبه­سوری افرادی که حاجتی دارند، درحالی‌که یک چادر کهنه و کاسه­ای مسی و قاشق در دست دارند، به در خانه­ها می­روند و بدون تکلم دق الباب کرده و با قاشق بر روی کاسه می­کوبند. در این هنگام صاحب‌خانه به صدای آن‌ها دم درمی‌آید و در کاسه­ای که به همراه آنان است اندکی از آجیل شب چهارشنبه یا یک عدد تخم‌مرغ و یا غذای پخته می­ریزد و در را می­بندد. در «دست‌مال آتی» نیز نوجوانان و کودکان پس از زدن زنگ خانه افراد آن‌قدر پشت در باقی می­ماندند تا صاحب‌خانه در را باز کند و چیزی به آن‌ها هدیه نماید. این مراسم به‌طور رمزی نشانی از پاسداشت نعمات الهی و طبیعی است و به اهل محل خاطرنشان می‌سازد که در بین شهروندان کسانی هستند که باید به آن‌ها کمک کرد.

**عروس گوله­ی**

نمایش بومی و آیینی «عروس گوله­ی» از جمله نمایش‌های سنتی گیلک زبانان است که از واقعیات زندگی مردم مایه می­گیرد و ریشه در باورهای بومی این سامان دارد. این نمایش به‌صورت سمبلیک و رمزوار همراه با طنز و آمیخته با رقص و آواز بومی اجرا می­شود. نمایش­های آیینی چون عروس گوله­ی (جنگ بین زمستان و بهار با نمادی از غول و عروس) در ساده­ترین شکل خود نمادی از بازگشت و یا نزدیک شدن خورشید به برج و اعتدال بهاری و رستاخیز زندگی دانسته شده­است. این نمایش بومی در شرق گیلان با نام «پیربابو» و در غرب گیلان به نام «عروس گوله­ی» مشهور است.

**رابرچره**

رابرچره از آیین­های نمایشی بازمانده­ی دوران شبانی است که پیش از نوروز در روستاهای گیلان، دیلمان و اشکور بر پا می­شده است. در این نمایشِ گروهی هشت نفره، یکی نقش برّه یا آهوی رام و دیگری نیز نقشچوپان یا راهبر آهو (چره) را بازی می­کند. دیگر اعضای گروه نیز موسیقی و نواهای محلی را برای اجرای حرکات موزون آن دو اجرا می­کنند. رابرچره (چراننده آهو) با خواندن اشعار محلی آمدن بهار را یادآوری می­کند و مردم شادیانه هایی مانند پول، برنج، گندم، لوبیا، تخم مرغ، گردو، پنیر، کشک، روغن و نظایر این‌ها دریافت می­کنند.

**خرسه­بونی**

از جلوه­های پیش نوروزی مردم گیلان به ویژه شهر رشت، مراسم خرس­بازی (خرسه­بونی) بود که با آمدن میمون­باز و گروه مطربان دوره­گرد و آتش­باز هم­زمان می­شد. این گروه­های شادمانی در آستانه نوروز ظاهر می­شدند تا پنجره­های امید را به روی مردم بگشایند.[[4]](#footnote-4)

**نوروز خوانی**

نوروز خوانی از مراسم آخر هر سال در گیلان است. نوروزخوانی که هم اکنون نیز کم و بیش رواج دارد، در گیلان نماد ورود بهار و خیر و برکت است.

**جشن خرمن**

این جشن در نقاط کوهستانی شرق گیلان بعد از درو گندم و جو با به دست آوردن اولین محصول سال و در قسمت جلگه بعد از برداشت محصول برنج انجام می­گرفت تا دست کشاورزان برای خرج­کنی، باز باشد. روز برگزاری معمولاً جمعه و گاهی دوشنبه بود که توسط متولی بقعه محل با مشورت ریش سفیدان انجام می­گرفت.

**نوروزبَل**

نوروزبل به معنی آتش نوروزی و نام جشنی است که در نخستین روز از «نوروز ما» برگزار شده و این روز، آغاز سال دیلمی بوده و به مناسبت بزرگداشت آن، شعله نوروزی افروخته می­شود. گاهشماری رایج میان مردم گیلک زبان کوهستان­های گیلان وابسته به گاهشماری باستانی ایرانی (یزدگردی قدیم) بوده است. سال شماری یزدگردی قدیم بنا بر روایات ایرانی و همچنین بر اساس محاسبات نجومی کهن­ترین سال‌شمار ایرانی محسوب می­شود. مراسم آغاز سال جدید (نوروز بل) وابسته به نحوه قراردادن پنج روز کبیسه، بین 13 تا 17 مرداد ماه برگزار می­شود. مبدأ تاریخی این مراسم نه یک رخداد سیاسی یا مذهبی، که یک رخداد کاملاً علمی و البته مردمی است و دلیل اصلی این امر راحتی مردم کشاورز و دامدار و صنعتگر در دادن خراج و مالیات سالانه بوده­استو تنها بر پایه مناسبات تولید به وجود آمده­است.

**سیاگالش**

سیاگالش موجودی ذهنی به‌صورت انسانی میانه بالا، سیاه چرده با پوششی شبانی است که شبانه‌روز در کوه و کمر نگهبان چهارپایان سودمندِ وحشی نظیر آهو و گوزن و بزکوهی بوده و احشام اهلی را هم دور از شبانان در کوه و صحرا می­چراند. گالش­ها عقیده داشتند که سیاگالش همیشه در کارهای آنان دقیقاً نظارت دارد و متناسب با خیر و شر و عملکردشان، به آنان پاداش یا پادافره می­دهد. سياگالش بازمانده اسطوره‏هاى كهن اقوام منطقه و نماد ذهنى نيازهاى مادى مردمى است كه معيشتشان مبتنى بر دامدارى و شبانى بوده و هنوز در فرهنگ جنگل‏نشينان دامدار اين منطقه نفوذى عميق دارد. بسيارى از چوپانان و شكارچيان نكات بسيارى را رعايت مى‏كنند تا شايد مورد حمايت سياگالش قرار گيرند و يا از خشم او در امان بمانند.[[5]](#footnote-5)

**كشتى گيله‏مردى‏**

كشتى گرفتن و پهلوانى، در همه سرزمین‌های حوزه فرهنگ ايرانى پيشينه‏اى كهن دارد و در هر جا با نام و شيوه‏اى خاص اجرا مى‏شود. كشتى چوخه خراسانى، كشتى مازندرانى و كشتى گيله‏مردى از جمله انواع اين کشتی‌های سنتی ایران است. كشتى گيلان هم ورزش، هم جنگ و هم تفريح است. در كتاب فتوت‏نامه سلطانى، نوشته مولانا حسين واعظ كاشفى، از متون قرن نهم هجرى آمده است: «اگر پرسند كه كشتى چند نوع است، بگوى دو نوع: اول قبض، دويم اضطرار. اگر پرسند كه هر يك چگونه است، بگوى قبض كشتى گرفتن اهل خراسان و عراق است كه آن را شهرى‏وار گويند و اضطرار كشتى گيلان و شيروان و بعضى از آذربايجان است و آن را ديلم‏وار خوانند.»[[6]](#footnote-6) آنچه در اين متن كشتى «اضطرار» يا «ديلم‏وار» ناميده شده، همان كشتى گيله‏مردى است كه امروز در سرزمين گيلان معمول است و قديم­ترين خبر آن در *احسن التقاسيم* تألیف قرن چهارم هجرىآمده است: «ايشان در آن دشت (گيلان) هفته‏بازارها دارند. براى هر ديه يك روز نهاده‏اند و پس از پايان بازار زنان و مردان به جايگاه كشتى روند، داور در آنجا برنشسته، تنابى به‏ دست گرفته، هركس پيروز شود، يك گره بر آن مى‏بندد».[[7]](#footnote-7) در اواخر قرن نهم هجرى، سيد ظهیرالدین مرعشى با دقت به ذکرِ جزئیات بیشتری از کشتی گیله مردی پرداخته و به برخی از اصطلاحات محلی آن نیز اشاره‌کرده است.[[8]](#footnote-8)

مصاف كشتى‏گيران گيلان نمایشی برجای‌مانده از میراث کهن جنگاوری آنان است به همین رو هرکدام از کشتی گیران به‌گونه‌ای با رجزخوانى و ابراز قدرت كارشان را شروع مى‏كنند. كشتى‏گيران در انتخاب طرف مقابل خود و نيز در رد و قبول دعوت به نبرد آزاد هستند. در کشتی گیله­مردی برخلاف کشتی رایج امروزه، هم­وزن کردن ملاک رویارویی قهرمانان نیست. همچنين مبارزه دو كشتى‏گير مدت و زمان محدودى ندارد و اگر زياد طول بكشد، يك نفر از كشتى‏گيران بزرگ‌تر ميانجى مى‏شود و آن‌ها را از هم جدا مى‏كند تا پس از مدتى استراحت دوباره به كشتى بپردازند. دو حريف قبل از آن‌که گلاويز شوند با مشت و ضربه زدن با پشت دست، مقابله مى‏كنند و در اين مورد هيچ محدوديتى وجود ندارد. درصورتی‌که به يكى از دو حريف صدمه‏اى وارد شود، ديگرى مسئول نيست و خلافى برايش محسوب نمى‏شود. پايان كشتى وقتى است كه يكى از دو طرف جز كف پا نقطه ديگرى از بدنش با زمين تماس پيدا كند و در اين صورت شكست خورده است.مراسم کشتی گرفتن عموماً محدود به فصل تابستان و پایان فصل برداشت بود.

**وَرزاجنگ**

ورزاجنگ (جنگ گاوهای نر) یکی از بازی­ها و سرگرمی­های بومی گیلان است. اجرای این نمایش همچون مراسم گاوبازی در میان مردم اسپانیا سابقه تاریخی و طولانی دارد و تا یک سده پیش در باغ مدیریه واقع در خارج شهر رشت انجام می­­شد. پرورش ورزا (گاو نر) در گیلان جهت استفاده از نیروی آن برای شخم­زنی، تخم­گیری و بهره­گیری از گوشت آن از دیرباز معمول بوده است. ورزاها در فصل تابستان و بهار در فضای آزاد به نام راکابند که سایبانی نیز دارد و در فصل زمستان در فضایی بسته به نام گاچه (طویله) نگهداری می­شوند. ورزا جنگ بیشتر در فصل­ پاییز و زمستان و در تعطیلات نوروز یا اواخر تابستان بعد از دروی برنج و در جشن‌ها و عروسی‌ها برگزار می­شد. شاید یکی از علل پیدایش چنین بازی­هایی تجربه ابتدایی حاصل از مشاهده جنگ و جدال حیوانات نر برای تصاحب ماده در زمان جفت­گیری بوده باشد؛بنابراین حیوانات نر را به جنگ می­انداختند تا از آن میان قوی­ترین و سالم­ترین انتخاب شود و برای جفت­گیری و تولیدمثل مورد استفاده قرار گیرد**.[[9]](#footnote-9)**

از جمله اسناد معتبرى كه از رسم جنگ انداختن گاوان جنگى در گيلان حكايت مى‏كند، سنگى است كه بر سر در مسجد جامع لاهيجان نصب شده و فرمان شاه سلطان حسين صفوى درباره منع پاره‏اى امور از جمله تربيت گاوان جنگى بر آن كنده شده است. شاه سلطان حسين طى فرمان مزبور در شوال 1106 هجری قمرى به وزير گيلان بيه‏پيش دستور مى‏دهد كه اهالى را از ارتكاب اعمال خلاف بازدارد. بر اساس اين سند كه به حدود سه قرن پيش مربوط مى‏شود، به نظر می‌رسد ورزا جنگ، بازى جاافتاده‏اى بوده و با مسائل مختلف جامعه آميختگى داشته است. از اسناد ديگر چنين برمى‏آيد كه مدتى پس از آن ممنوعيت باز هم ورزا- جنگ در گيلان رواج پيدا كرده است. چنان‏كه در سفرنامه مظفر الدين شاه آمده كه وى به سال 1320 هجرى قمرى وقتى از راه بندر انزلى عازم اروپا بوده، در باغ محتشم رشت ورزاجنگ را تماشا كرده است.[[10]](#footnote-10)

**سیزده سال**

آخرین مراسم نوروز، سیزده سال است. در این روز مردم گیلان بیشتر به کنار رودخانه‌ها و در دل جنگل‌ها می‌روند و به صورت گروهی، آخرین روز نوروز را گرامی می‌دارند.

دختران گیلانی در این روز سبزه گره می زنند. این مراسم معمولاً با بندبازی، کشتی گیله مردی و نواختن ساز و نقاره همراه است.

**منابع**

«آیین­های نوروزی، آهوچره»، پژوهشکده مردم شناسی میراث فرهنگی کشور، کتاب ماه هنر، بهمن و اسفند 1379ش.

* اصلاح عربانی، ابراهیم، *کتاب‌ گیلان‌*، تهران‌، گروه‌ پژوهشگران‌ ایران‌، ۱۳87ش‌.

بشرا، محمد و طاهر طاهری، *جشن­ها و آیین­های مردم گیلان*، رشت، فرهنگ ایلیا، 1385ش.

حبیبی، حسن، *شهرهای ایرانشهر*، تهران، بنیاد ایران­شناسی، 1391ش.

* فخرايى‌، ابراهيم‌، *گيلان‌ در گذرگاه‌ زمان‌*، تهران‌، انتشارات جاویدان،1354ش.
* فومنی، عبدالفتاح، *تاریخ گیلان*، با تصحیح عطاءالله تدین، تهران، انتشارت فروغی، چاپ اول، 1353ش.
* کاشفی، حسین بن علی، *فتوت نامه سلطانی*، چاپ محمدجعفر محجوب، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، 1350ش.
* مرعشي،سيدظهيرالدينبنسيدنصيرالدين،*تاريخگيلانوديلمستان*،تصحيحمنوچهرستوده، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم، 1364ش.
* مقدسي،ابوعبداللهمحمدبناحمد،*احسنالتقاسيمفيمعرفهالاقاليم*،قاهره، مکتبهمدبولي، چاپ سوم، 1411ق.
* میرشکرائی، محمد، «مردم شناسی و فرهنگ عامه»، *كتاب گيلان*، به کوشش ابراهيم اصلاح عربانى، گروه پژوهشگران ايران، تهران، چاپ اول، 1374ش.

1. . دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران. Samane.khalilifar@ut.ac.ir [↑](#footnote-ref-1)
2. - اصلاح عربانی، *کتاب گیلان*، ج3، ص427-429؛ حبیبی، *شهرهای ایرانشهر*، ج5، ص119؛ «آیین های نوروزی، آهوچره*»*، ص8. [↑](#footnote-ref-2)
3. - اصلاح عربانی، *کتاب گیلان*، ج3، ص440؛ حبیبی، *شهرهای ایرانشهر*، ج5،ص 119. [↑](#footnote-ref-3)
4. - بشرا و طاهری، *جشن­ها و آیین­های مردم گیلان*، ص17. [↑](#footnote-ref-4)
5. - میرشکرائی، محمد، «مردم شناسی و فرهنگ عامه»، ج‏3، ص 426. [↑](#footnote-ref-5)
6. -کاشفی، حسین بن علی، *فتوت نامه سلطانی*، ص311. [↑](#footnote-ref-6)
7. - مقدسی، *احسن التقاسیم*، ص369. [↑](#footnote-ref-7)
8. مرعشی، سیدظهیرالدین، *تاریخ گیلان و دیلمستان*، ص386، 389-390؛ فومنی، عبدالفتاح، *تاریخ گیلان*، ص41. [↑](#footnote-ref-8)
9. - میرشکرائی، محمد، «مردم شناسی و فرهنگ عامه»، ص438. [↑](#footnote-ref-9)
10. - فخرائى، ابراهیم، *گيلان در گذرگاه زمان*، ص277-278. [↑](#footnote-ref-10)